

Ontological Study of the Islamic Model of Gratitude and Its Relationship with the Increase in Blessings

Ali Ghadrddan Gharamaleki¹

1. Assistant Professor, Department of Islamic Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

DOI: 10.22034/nrr.2025.64293.1392	
URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_19306.html	
Corresponding Author: Ali Ghadrddan Gharamaleki	ABSTRACT
Email: a.ghadrddan@tabrizu.ac.ir	Religious texts clearly emphasize gratitude and mention its connection with the increase in blessings. However, due to the lack of tangible and immediate observation of an increase in blessings in some cases, doubts may arise regarding the existence of a connection between gratitude and the increase in blessings. While this connection is especially emphasized in the Qur'anic verses and the sayings of the Infallible (peace be upon them), and considering the truth of divine promises, the increase in blessings following gratitude will indeed be realized. Therefore, it is necessary to explain the ontological relationship between the Islamic model of gratitude and the increase in blessings, and to answer the question of how gratitude can lead to the increase in blessings. The goal of this research is to analyze and explain the ontological connection to clarify various dimensions of the issue and the role of different causes and factors in the universe in increasing blessings, thus creating a strong motivation for individuals to practice the Islamic model of gratitude. The author of this research, for the first time, approaches the analysis of the relationship between gratitude and the increase in blessings from an ontological perspective. This research is a theoretical, problem-centered study. The required information has been collected through library-based studies. Rational, philosophical, and traditional analytical methods, with an ontological approach, have been used to analyze and explain different aspects of the topic. The findings of the research show that an ontological connection exists between the Islamic model of gratitude and the increase in blessings, which is causally facilitated by various beings in the universe. The effect of gratitude on the increase in blessings can be explained in both natural and supernatural forms. Although the role of natural factors in this matter is significant, the role of supernatural factors, such as the evolution of the soul, the inner form of gratitude, and divine will and intention, in increasing blessings is highly important. These findings have led to the elimination of theoretical ambiguities regarding the issue of gratitude and the increase in blessings, resulting in greater inclination of people toward gratitude and adherence to this Islamic model
Received: 2024/11/01	
Detected: 2025/12/05	
Accepted: 2025/02/10	
Available: 2025/03/21	
Open Access 	
Keywords: Islamic model of gratitude, increase in blessings, ontological connection of gratitude, natural factors, supernatural factors	



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



مطالعه هستی‌شناسانه الگوی اسلامی شکرگزاری و ارتباط آن با افزایش نعمت؛

علی قدردان قراملکی^۱

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

DOI: 10.22034/nrr.2025.64293.1392

URL: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_19306.html

چکیده

متون دینی به وضوح بر شکرگزاری تأکید دارند و به ارتباط آن با افزایش نعمت‌ها اشاره می‌کنند. با این حال، به دلیل عدم مشاهده ملموس و آتی افزایش نعمت‌ها در برخی موارد، ممکن است در وجود ارتباط میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها تردیدهایی به وجود آید. در حالی که این ارتباط در آیات قرآنی و سخنان معصومین (ع) به طور ویژه‌ای تأکید شده و با توجه به صدق وعده‌های الهی، افزایش نعمت‌ها به دنبال شکرگزاری تحقق خواهد یافت، لذا ضروری است تا با تبیین ارتباط تکوینی میان الگوی اسلامی شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها، به این سوال پاسخ داده شود که شکرگزاری چگونه می‌تواند موجب افزایش نعمت‌ها گردد؟ هدف این پژوهش، تحلیل و تبیین هستی‌شناسانه این ارتباط تکوینی است تا ضمن روشن شدن ابعاد مختلف مسأله و نقش علل و عوامل مختلف عالم هستی در افزایش نعمت، انگیزه‌ای قوی برای عمل به الگوی اسلامی شکرگزاری در افراد ایجاد کند. نگارنده در این تحقیق برای نخستین بار با رویکرد هستی‌شناسانه به تحلیل ارتباط شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها پرداخته است. این پژوهش، تحقیقی مسأله محور و نظری است. اطلاعات مورد نیاز آن از طریق مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. از روش‌های تحلیل عقلی، فلسفی و نقلی با رویکرد هستی‌شناسی برای تحلیل و تبیین ابعاد مختلف موضوع استفاده شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط تکوینی میان الگوی اسلامی شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها وجود دارد که موجودات مختلف عالم هستی به صورت علی سبب آن می‌شوند. تأثیر شکرگزاری بر افزایش نعمت‌ها، به دو شکل طبیعی و فراطبیعی قابل تبیین است. هرچند که نقش عوامل طبیعی در این زمینه قابل توجه است؛ اما نقش عوامل فراطبیعی مانند تکامل نفس، صورت باطنی شکرگزاری و خواست و اراده الهی در افزایش نعمت‌ها بسیار حائز اهمیت است. این یافته‌ها سبب شده تا ضمن از بین رفتن ابهامات نظری در مسأله شکرگزاری و فزونی نعمت‌ها، انسان‌ها اقبال بیشتری به شکرگزاری و عمل به این الگوی اسلامی داشته باشند.

نویسنده مسئول:

علی قدردان قراملکی

ایمیل:

a.ghadrdan@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

الگوی اسلامی شکرگزاری، افزایش نعمت‌ها، ارتباط تکوینی شکرگزاری، عوامل طبیعی، عوامل فراطبیعی

۱- مقدمه و بیان مسأله

شکرگزاری از جمله عبادات و فضایل اخلاقی است که عقل انسان بر وجوب آن حکم نموده و آن را بر اساس قاعده «وجوب شکر منعم» ضروری می‌شمارد. متون دینی نیز این حکم عقلی را تأیید کرده و بر اهمیت شکرگزاری تأکید نموده‌اند. متون دینی در صدد ترویج فرهنگ شکرگزاری در میان مردم هستند. این متون با دعوت به حقایق معنوی و اخلاقی، انسان‌ها را به قدردانی از نعمت‌های الهی ترغیب می‌کنند.

از منظر این متون روح شکرگزاری عمل به وظیفه فطری و انسانی است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰ / ۳۶۴) انسان‌ها فطرتاً مایل به سپاسگزاری از افرادی هستند که به آنان لطف و خیری رسانده‌اند. با توجه به فقر ذاتی انسان و آفرینش انسان و تمام نعمت‌های او توسط خدا، شکرگزاری از خدای متعال عمل به وظیفه انسانی و فطری است. متون دینی نیز به یادآوری و تأکید بر این میل انسانی پرداخته‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۷۷)

در منابع دینی در کنار تأکید بر محبوبیت و حُسن شکرگزاری، از تحقق آثار و نتایج مطلوب در پی شکرگزاری خبر داده شده است. مطابق متون دینی، شکرگزاری دارای پیامدهای مطلوب فراوانی است که توجه به آن‌ها موجب تعمیق کیفی و توسعه کمی شکرگزاری و کارآمدسازی آن می‌شود. از جمله آثار مهم شکرگزاری، افزایش نعمت‌هاست که در آیه شریفه «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم / ۷) به آن اشاره شده است. همچنین روایات متعددی نیز بر این مطلب دلالت دارند که شکرگزاری نعمت‌های گذشته، موجب افزایش نعمت‌های حال و آینده می‌گردد. از جمله این روایات می‌توان به «شُكْرُكَ لِنِعْمَةٍ سَالِفَةٍ يَقْتَضِي نِعْمَةً آتِيَةً» (حلوانی، ۱۴۰۸: ۸۰) و «شُكْرُ النِّعَمِ يُضَاعِفُهَا وَيَزِيدُهَا» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۱) اشاره نمود. افزایش طول عمر (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۹۲) و جلوگیری از فقر (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۵۹) از دیگر آثار شکرگزاری است که در متون دینی به آن‌ها پرداخته شده است. همچنین روایات به روشنی بیان می‌کنند که شکرگزاری برکات فراوانی برای انسان به همراه دارد و عدم آن می‌تواند موجب کاهش نعمت‌ها شود. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۶)

بر اساس متون دینی، شکرگزاری عملی نیک و پسندیده است که با فطرت انسانی منطبق است. در کنار آن آثار و پیامدهای مطلوبی نظیر افزایش نعمت برای انسان به ارمغان می‌آورد.

با این حال چه بسا در ظاهر و در نگاه بدوی، ارتباطی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها مشاهده نشود و چه بسا همین امر موجب اقبال کمتر برخی از مردم به شکرگزاری شده و حتی گمان شود که افزایش نعمت بیان شده در متون دینی، صرفاً وعده‌ای برای جذب مردم به شکرگزاری است.

با توجه به اهمیت مسأله شکرگزاری، تأکید متون دینی بر آن و وجود ابهامات و سوالات مختلف پیرامون آن، تحقیقات مختلفی درباره شکرگزاری از منظرهای دینی و غیر دینی انجام شده است. تحقیقات غیر دینی عمدتاً با تأکید بر انرژی‌ها مثبت و ارتباط میان افکار و ذهنیات با رخدادهای خارجی، به دنبال نگاه مثبت انسان‌ها به

زندگی و ایجاد روحیه مثبت و شادابی در آنان هستند. تحقیقات دینی نیز عمدتاً به چیستی شکرگزاری، ابعاد و شرایط آن و ... پرداخته‌اند و در آن‌ها کمتر به کیفیت تأثیر شکرگزاری بر فزونی نعمت اشاره شده است.

نگارنده برخلاف مطالعات غیر دینی مانند قانون جذب، معتقد است که نگاه به شکرگزاری باید از حیطه خودبینی و منفعت‌گرایانه خارج شده و به سوی عبودیت و کمال‌گرایی سوق داده شود تا روح شکرگزاری محقق شود. با ایجاد شکرگزاری صحیح و کامل، منافع و پیامدهای مطلوب آن مانند افزایش نعمت‌ها - که هدف شکرگزاری نیستند، بلکه نتایج آن‌اند - محقق می‌شوند.

با توجه به تأکید متون دینی بر ارتباط میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها، روشن می‌شود که این ارتباط حقیقی و تکوینی است و کشف این ارتباط از طریق مطالعات هستی‌شناسانه امکان‌پذیر است. با این حال تحقیقات دینی نیز کمتر به این بُعد از مسأله پرداخته‌اند، لذا بر آن شدیم تا در تحقیقی مستقل به تحلیل و تبیین ارتباط تکوینی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها بپردازیم. این امر بدون بررسی دقیق و عمیق روابط میان موجودات مختلف عالم هستی امکان‌پذیر نیست، لذا با رویکرد هستی‌شناسی و با تحلیل عقلی و فلسفی به تحلیل و کشف این ارتباط تکوینی پرداخته می‌شود، بنابراین سوال اصلی مطالعه حاضر این است که با نگاه هستی‌شناسانه چه ارتباطی میان الگوی اسلامی شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها وجود دارد؟

هدف این تحقیق نیز، تحلیل و تبیین ارتباط تکوینی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌هاست. البته این تحقیق دارای اهداف کاربردی نیز هست. پس از تبیین ارتباط یاد شده، ایمان و اعتماد مردم به وعده الهی مبنی بر افزایش نعمت‌ها در پی شکرگزاری بیش از پیش شده و با توجه بیشتری به شکرگزاری پرداخته و این امر موجب کارآمدسازی شکرگزاری می‌شود.

برای نیل به این هدف، در این تحقیق نظری مسأله محور، نگارنده با تحقیق کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز را گردآوری کرده و با تحلیل عقلی، نقلی و مقایسه‌ای به بررسی مسأله و فروع آن پرداخته است. در این نوشتار تلاش شده تا با تجمیع مبانی و اصول مسأله از علوم مختلف عقلی و نقلی و تطبیق قواعد و اصول کلی بر مسأله مورد بحث، ضمن توسعه دادن به داده‌های پیشینیان، از منظر جدیدی به مسأله پرداخته و محتوای جدیدی در مسأله ارائه شود.

۱.۱. پیشینه تحقیق

هدف از نگارش این تحقیق، تحلیل ارتباط تکوینی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌هاست. با وجود اهمیت موضوع و تأکید متون دینی بر شکرگزاری، پژوهشی جامع که به طور خاص به این رابطه بپردازد، یافت نشد. تحقیقات پیشین عمدتاً به ابعاد مختلف شکرگزاری پرداخته‌اند و به مسأله ارتباط تکوینی شکرگزاری و افزایش

نعمت‌ها به خصوص با رویکرد هستی‌شناسی پرداخته‌اند. در ادامه، به برخی از این مطالعات که به عنوان پیشینه کلی تحقیق قابل ذکر هستند، اشاره می‌شود.

الف. مقاله «ضرورت شکرگزاری از نعمت‌های معنوی»، به قلم آیت الله محمدتقی مصباح یزدی. در این مقاله همان‌گونه که از نامش مشخص است، به ضرورت شکرگزاری از نعمت‌های معنوی پرداخته شده و در مقام تبیین تأثیر شکرگزاری بر افزایش نعمت‌ها و چگونگی این تأثیر نیست.

ب. مقاله «شکرگزاری از نگاه قرآن کریم» نوشته محمد باقر حیدری. این مقاله صرفاً به ذکر آیات شکرگزاری پرداخته و تحلیل و ارزیابی در آن مشاهده نمی‌شود.

ج. مقاله «رابطه‌ی شکرگزاری و آرامش در زندگی فردی» به قلم راضیه و اعظم نظری. در این مقاله به ارتباط میان شکرگزاری و آرامش در زندگی پرداخته شده و به مسأله افزایش نعمت‌ها اشاره نشده است. همچنین با رویکرد روانشناسی به مسأله پرداخته و به ارزیابی عقلی و فلسفی مسأله شکرگزاری پرداخته است.

د. مقاله «معجزه شکرگزاری و پیامد آن در زندگانی با رویکرد پایدار» نوشته داوود خوش‌باور. در این مقاله نیز به تأثیر شکرگزاری بر حالت و روحيات درونی فرد پرداخته شده و به مسأله افزایش نعمت‌ها و تبیین عقلی و فلسفی آن اشاره نشده است.

هـ. مقاله «آثار و پیامدهای شکرگزاری در آیات و روایات» به قلم ابراهیم رخیده. در این مقاله به ذکر آیات و روایات شکرگزاری و آثار آن در زندگی پرداخته شده و به تحلیل و تبیین کیفیت و چگونگی تأثیر شکرگزاری بر این آثار پرداخته نشده است.

و. کتاب‌های بسیاری نظیر «نیروی مثبت شکرگزاری» نوشته دادا جی پی واسوانی، «تقویت قدرت شکرگزاری» به قلم اسکات آلن، «معجزه شکرگزاری» نوشته راندا برن، «شکرگزاری کنید و ثروتمند شوید» به قلم پم گروت، «اثرات شکرگزاری» به قلم غلامرضا بیزوالی، «نتایج شکرگزاری در زندگی» نوشته طاهره شبان، «شکرگزاری؛ سلامت روان و جسم» به قلم بهمن شیخی‌تل‌یابی و ... در موضوع شکرگزاری نوشته شده‌اند که تقریباً تمام آن‌ها به آثار مطلوب شکرگزاری در روح و روان انسان‌ها و نگاه مثبت انسان به زندگی و جذب منافع و نعمت‌ها پرداخته‌اند که می‌توان همگی را با عنوان تأثیر طبیعی شکرگزاری تحلیل کرد؛ اما هیچ تحقیقی به رابطه فراطبیعی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها که با تحلیل عقلی و فلسفی می‌شوند، پرداخته است.

۱.۲. ضرورت پژوهش

متون دینی بسیاری بر اهمیت شکرگزاری و تأثیر آن در افزایش نعمت‌ها تأکید کرده‌اند. با این حال، به دلیل عدم مشاهده روابط مستقیم و فوری میان این دو عامل، برخی تردیدها در این زمینه وجود دارد که ممکن است موجب بی‌توجهی یا ناکامی مردم در انجام این عمل مهم و ماندگار شود. این موضوع می‌تواند به بروز آسیب‌های

معرفتی و تردید در صدق وعده‌های الهی و همچنین آسیب‌های رفتاری از جمله ترک و کم توجهی به عمل پسندیده شکرگزاری منجر شود.

از آن‌جا که ابهامات زیادی در ارتباط بین شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها وجود دارد و عدم تبیین صحیح می‌تواند آسیب‌های مختلفی ایجاد کند، نیاز به این تحقیق بیش از پیش احساس می‌شود. به‌ویژه این‌که بررسی پیشینه‌های تحقیق نشان می‌دهد که پژوهشی جامع و کامل در این زمینه وجود ندارد و این موضوع اهمیت این تحقیق را بیشتر می‌کند.

در این پژوهش، برای تبیین ارتباط میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها، به مطالعه هستی‌شناسی و کشف روابط تکوینی میان موجودات پرداخته شده تا به‌خوبی به سوالات و ابهامات موجود در مورد رابطه شکرگزاری و افزونی نعمت‌ها پاسخ داده شود. با روشن شدن ابهامات معرفتی، آسیب‌های رفتاری ناشی از کمبودهای معرفتی نیز برطرف خواهند شد.

۱.۳. نوآوری تحقیق

در این پژوهش، نوآوری‌هایی به کار رفته است که در ادامه تشریح می‌شوند.

ا. نوآوری در موضوع: پس از بررسی‌های گسترده، هیچ پژوهش مستقلی که به طور جامع به ارتباط تکوینی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها با رویکرد هستی‌شناسی پرداخته باشد، به دست نیامد. بر همین اساس، این موضوع برای اولین بار در قالب یک پژوهش مستقل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

ب. نوآوری در ساختار: در پژوهش حاضر، با رویکردی نظام‌مند و مبتنی بر مبانی نظری، به تبیین ارتباط تکوینی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها پرداخته شده است. این پژوهش با تفکیک تأثیرات شکرگزاری به دو دسته «تأثیرات طبیعی» و «تأثیرات فراطبیعی» و بررسی ابعاد متنوعی از جمله «تکامل نفس»، «صورت باطنی» و «خواست و اراده الهی»، گامی نو در جهت شناخت ژرف و گسترده آثار این عمل پسندیده محسوب می‌شود.

پ. نوآوری محتوایی: در این پژوهش، نگارنده با رویکردی نوآورانه و تلفیقی از مبانی عقلی و نقلی، به بررسی جامع مسأله پرداخته است. با تطبیق اصول کلی بر افعال انسانی، تلاش شده تا ابعاد جدیدی از این موضوع مورد کاوش قرار گیرد و ارتباط حقیقی و تکوینی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها کشف شود.

۱.۴. الگوی اسلامی شکرگزاری

الگوی اسلامی شکرگزاری یک چارچوب نظری و عملی است که بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی طراحی شده است. این الگو به مجموعه آموزه‌ها و رویکردهای دینی و اخلاقی در فرهنگ اسلامی اشاره دارد که به مفهوم شکرگزاری و قدردانی از نعمت‌های الهی و توفیقات زندگی می‌پردازد. این الگو به عنوان نقشه‌ای عمل

می‌کند که جهت‌گیری‌ها و اهداف شکرگزاری را مشخص می‌سازد و فرایندها و مراحل آن بر اساس آموزه‌های اسلامی تدوین می‌شود. الگوی اسلامی شکرگزاری شامل ابعاد مختلفی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. الگوی اسلامی شکرگزاری با تکیه بر توحید افعالی بر این باور است که هر نعمتی که به انسان می‌رسد تفضل و لطف الهی بر اوست و انسان که به خودی خود فاقد این نعمت‌هاست، موظف است نسبت به منعم شکرگزار باشد. شکر در لغت به معنای تصور نعمت‌ها و اظهار و نشر آن‌ها آمده است. به عبارت دیگر، شکر یعنی شناخت نعمت‌ها و ابراز قدردانی از آن‌ها. در مقابل، کفر به معنای پنهان کردن و فراموش کردن نعمت‌هاست. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۴۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴/ ۴۲۳)

این دو مفهوم در اصطلاح دینی نیز به همین معنا به کار می‌روند، با این تفاوت که در دین، شکر به عنوان عبادتی برای نزدیک شدن به خدا و اظهار شناخت نسبت به نعمت‌های الهی مطرح شده است، (جعفر بن محمد (ع)، ۱۴۰۰ق: ۲۴-۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۷/ ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴/ ۴۲۲) بنابراین ارکان و اجزاء اصلی الگوی اسلامی شکرگزاری سه بخش است. (محاسبی، ۱۴۲۵ق: ۷۹؛ عبّادی، ۱۳۶۸: ۸۷؛ غزالی، ۱۴۱۲ق: ۴/ ۳۳۲-۳۳۶؛ عبدالرزاق کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۱۰؛ عبدالرزاق کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۴۲)

الف. علم فعلی به نعمت‌ها: شکرگزاری مستلزم آگاهی از نعمت‌های الهی است. (کاشانی، ۱۳۸۱: ۲۶۷) انسان‌ها اگرچه بر دانش‌های بسیاری واقفند؛ اما همواره به آن‌ها توجه کافی ندارند و تنها در مواقع خاص به یادشان می‌آورند. منظور از آگاهی به نعمت‌های الهی، دانشی است که به صورت فعال و مستمر مورد توجه قرار گیرد. انسان‌ها، به ویژه مؤمنان، بر نعمت‌های فراوانی که از جانب پروردگار به آن‌ها عطا شده، واقفند؛ اما اغلب از این دانش غافل می‌شوند. شرط اصلی شکرگزاری آن است که انسان به صورت فعال و مستمر به نعمت‌های خود آگاه باشد. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ۴/ ۳۸۱، ۴۰۱ و ۴۰۶؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۲۲۹)

ب. اظهار و اعلام: پس از کسب دانش و آگاهی به نعمت‌های خدای سبحان، برای تحقق شکرگزاری انسان باید علم خود را اظهار و اعلام نماید تا شکر محقق شود. یعنی دانش خود را که در ظرف ذهن قرار دارد، به خارج از ذهن منتقل کند.

پ. قصد قربت: قصد قربت یکی از ارکان اساسی شکرگزاری است که تأثیرگذاری آن را در ساحت فراطبیعی به شدت افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، بدون داشتن این نیت، عمل شکرگزاری ناقص بوده و از تأثیرگذاری مطلوب برخوردار نخواهد بود. (جعفر بن محمد (ع)، ۱۴۰۰ق: ۲/ ۲۴-۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۷/ ۶۵)

۲. مبانی نظری و پیش نیازهای مسأله

جهت تحلیل و تبیین ارتباط تکوینی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها، ضروری است پیش از هرگونه استنتاج، مبانی و پیش‌فرض‌های هستی‌شناسانه حاکم بر این موضوع مورد بررسی دقیق و موشکافانه قرار گیرند.

با اتخاذ چنین رویکردی، می‌توان به درک ژرف‌تری از ابعاد مختلف این مسأله دست یافت و به ویژه تأثیر کنش‌های انسانی بر این رابطه را تبیین نمود.

۲.۱. سلسله مراتب هستی

در دانش فلسفه عوالم هستی به چهار قسم تحلیل می‌شوند. با توجه به مشاهدات عینی، وجود عالم طبیعت و ماده که به آن «ناسوت» گفته می‌شود، بر همگان آشکار است. همچنین، با دلایلی عقلی و نقلی، وجود خدای متعال و عالم الوهیت که به آن «لاهورت» اطلاق می‌گردد، ثابت شده است. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۲۸۰) با عنایت به اصل سنخیت میان علت و معلول و قاعده الواحد، حکما قائل به وجود عالمی واسطه به نام «جبروت» یا «عالم عقل» شده‌اند تا به این ترتیب، ارتباط میان عالم لاهوت و ناسوت تبیین گردد. (ابن سینا، ۱۳۸۱: ۳/ ۱۲۰) برخی از حکما، به ویژه حکمای متأله، با استناد به قاعده امکان اشرف و نیز وجود قوه خیال در انسان، عالمی دیگر به نام «ملکوت» یا «عالم مثال» را قائل شده‌اند که میان عالم ناسوت و عالم جبروت قرار دارد. عالم ملکوت همانند عالم جبروت مجرد از ماده و مثل عالم ناسوت دارای صورت می‌باشد، لذا از عالم ناسوت به موجب فقدان محدودیت‌های مادی کامل‌تر و از عالم جبروت به سبب وجود محدودیت‌های صوری، ناقص‌تر می‌باشد. (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م: ۱/ ۳۰۰؛ عبودیت، ۱۳۹۱: ۳/ ۸۳ و ۹۸-۹۹) بدین ترتیب، از نظر این دسته از حکما، عالم وجود به چهار مرتبه لاهوت، جبروت، ملکوت و ناسوت تقسیم می‌شود. شایان ذکر است که به اعتقاد حکما، عوالم جبروت و ملکوت عوالمی مجرد و عالم ناسوت عالمی مادی و غیر مجرد است. (طباطبائی، ۱۴۲۲ق: ۳۷۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۸۴)

۲.۲. ساحت‌های معنوی در جهان مادی

با توجه به مطالعات انجام شده در منابع مختلف قرآنی (مؤمنون/ ۸۸؛ یس/ ۸۳؛ اعراف/ ۱۸۵) و روایی (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق: ۴/ ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق: ۸/ ۴۳۰) این نتیجه حاصل می‌شود که تمام موجودات طبیعی و مادی، از جمله افعال انسان، صرف نظر از جنبه مادی و ظاهری خود، دارای یک بُعد معنوی و باطنی نیز می‌باشند. به بیان دیگر، اشیاء موجود در عالم ناسوت علاوه بر وجود مادی، دارای یک ساحت ملکوتی و باطنی هستند که از آن جدا و مستقل است.

این ساحت ملکوتی به دلیل تفاوت ماهوی با ساحت مادی، نمی‌تواند مادی تلقی شود. از طرفی، با توجه به توصیفات موجود در برخی آیات و روایات مبنی بر مشاهده و رؤیت این ساحت، نمی‌تواند از جنس مجردات محض عقلی باشد، بنابراین، این ساحت را می‌توان به عنوان یک بُعد مثالی و دارای تجرد غیرتام در نظر گرفت که از مصادیق عالم ملکوت محسوب می‌شود.

قاعده الواحد یکی از اصول بنیادین فیلسوفان در خداشناسی به شمار می‌آید: «الواحد لا یصدر منه إلّا الواحد» (صدر المتألهین، ۱۹۸۱م: ۸/ ۶۴) فلاسفه معتقدند خدا به عنوان موجودی واحد و بسیط، تنها دارای یک فعل مستقیم و بی‌واسطه است. این باور مبتنی بر اصل تناسب علت و معلول است. بدین معنا که وجود سنخیت میان علت و معلول امری ضروری است. اگر از موجودی بسیط و واحد، افعال متعدد صادر شود، به ناچار باید در ذات آن موجود، جهات کثرت وجود داشته باشد که با تعریف بسیط بودن تناقض دارد، بنابراین فرض صدور افعال متعدد از خدای واحد و بسیط، از نظر فلسفی قابل قبول نیست. (طوسی، ۱۳۷۵: ۳/ ۶۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۵-۲۱۴)

فلاسفه علی‌رغم پذیرش قاعده الواحد به اطلاق قدرت الهی هم معتقد هستند و به وجود تضاد میان این دو قائل نیستند. (طباطبایی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۵)

پیش‌تر به این نکته اشاره شد که تمامی موجودات مادی، علاوه بر جنبه‌ی ظاهری و مادی، دارای بُعدی باطنی و غیرمادی نیز می‌باشند. اعمال انسانی همچون شکرگزاری، دعا، نماز و صدقه که به صورت مادی و مشهود انجام می‌شوند، نیز دارای یک بعد باطنی و معنوی می‌باشند. صورت باطنی افعال انسانی، به عنوان معلولی از نفس و در درون نفس شکل می‌گیرد. بدین معنا که با انجام اعمال نیک، صورت باطنی در نفس پدید آمده و موجب تعالی و گسترش وجودی آن می‌گردد؛ نه آن‌که صورت باطنی خارج از ذات نفس و مغایر با آن ایجاد شده و نفس به سوی آن سوق یابد، از این‌رو افعال انسانی گرچه در ظاهر مادی جلوه می‌کنند؛ اما در حقیقت دارای جنبه‌ای فراتر از ماده بوده و به همین دلیل، تأثیرات فراطبیعی بر جای می‌گذارند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲/ ۴۷۵-۴۸۲ و ۸/ ۳۴۰-۳۴۵)

از آن‌جایی که این مبنا، نقش محوری نفس انسان را در پیدایش صورت باطنی و افعال انسانی و تحقق آن‌ها تبیین می‌کند، در زمره مبانی انسان‌شناسی قرار می‌گیرد.

کیفیت و نحوه وجودی نفس همواره یکی از مباحث بنیادین در فلسفه و کلام اسلامی بوده است. در این باب، متکلمان نقل‌گرا غالباً به جسمانی بودن نفس قائل شده‌اند. (اشعری، ۱۴۰۰ق: ۳۳۳-۳۳۷؛ سید مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۸/ ۱۰۴) در مقابل، حکما و بخش اعظم متکلمان عقل‌گرا بر تجرد نفس تأکید ورزیده‌اند. حکمت مشاء با اتخاذ رهیافت حدوث و بقاء روحانی (ابن سینا، ۱۳۷۶: ۲/ ۲۳۳) و حکمت متعالیه با رهیافت حدوث جسمانی و بقاء روحانی (صدر المتألهین، ۱۹۸۱م: ۳/ ۶۶ و ۹/ ۳۷۱-۳۷۲) به تبیین این مسئله پرداخته‌اند.

با عنایت به دلایل متعدد عقلی مانند ادراک کلیات، علم حضوری به خود، اشتیاق به زندگی جاوید و ... و ادله نقلی نظیر امر الهی بودن روح انسانی، رجوع نفس به سوی خدا، خلود نفس و ... نگارنده به دیدگاه مجرد نفس با رهیافت حدوث جسمانی و بقاء روحانی معتقد است.^۱ بر این اساس، در پژوهش حاضر به ارزیابی مسائل مرتبط با نفس از منظر این دیدگاه پرداخته خواهد شد.

۳. بررسی تأثیر شکرگزاری بر افزایش نعمت‌ها با رویکرد هستی‌شناسی

پس از طرح مبانی نظری مسأله، به بررسی ارتباط تکوینی میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها با رویکرد هستی‌شناسی خواهیم پرداخت. در این راستا که با تحلیل عقلی و فلسفی به ارتباط یاد شده پرداخته می‌شود، نقش عوامل طبیعی و فراطبیعی در این رابطه مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۳.۱. تأثیر عوامل طبیعی

شکرگزاری، عملی پسندیده است که بر روح و روان انسان تأثیرات مثبتی برجای می‌گذارد و موجب ارتقای نشاط، شادابی و دور شدن استرس و افکار منفی از فرد می‌شود. ارتباط میان شکرگزاری و این آثار مثبت، از طریق مکانیزم‌های روانشناختی و فیزیولوژیکی قابل تبیین است. با توجه به این که کسب نتایج مطلوب مذکور، از طریق شکرگزاری حاصل می‌شود، می‌توان گفت شکرگزاری بر افزایش نعمت‌ها و برکات مؤثر است.

انسان‌ها در طول حیات خود از طیف گسترده‌ای از نعمت‌ها و امکانات بهره‌مند بوده و در عین حال، ممکن است از برخی دیگر محروم باشند. تمرکز بر داشته‌ها به جای نداشته‌ها، منجر به افزایش رضایت‌مندی از زندگی می‌شود. شکرگزاری به عنوان محرکی قدرتمند، این احساس رضایت را تقویت کرده و از فراموشی نعمت‌ها جلوگیری می‌کند. در نتیجه، هر اظهار شکر، بر میزان رضایت‌مندی فرد افزوده و اثرات مثبت آن در تمام ابعاد زندگی او مشهود خواهد بود. (شجاعی، ۱۳۸۳: ۸۵ و ۱۳۸)

شکرگزاری، عاملی مؤثر در ارتقای کیفیت زندگی انسان است. با تأمل بر نعمت‌ها و داشته‌ها، احساس شادی و رضایت درونی تقویت شده و به تبع آن، عزت نفس و خودباوری افزایش می‌یابد. تمرکز بر کمبودها و نقصان‌ها، نه تنها موجب تضعیف روحیه فردی می‌شود، بلکه زمینه ساز بروز افسردگی نیز خواهد بود. شکرگزاری به عنوان نقطه مقابل این رویکرد، با جلب توجه به داشته‌ها، احساس رضایت و امیدواری را در فرد تقویت می‌کند. (جاویدپور و دیگران: ۱۴۰۲/۱۴۳)

۱. تمام جوانب این دلایل در پژوهش‌های دیگر توسط نگارنده تحلیل شده است. (ر.ک: قدردان قراملکی، ۱۳۹۷: ص ۵-۳۷ و ۱۳۹۸: ص

تأثیر شکرگزاری بر روابط اجتماعی نیز قابل توجه است. ابراز قدردانی از دیگران، به ویژه از واسطه‌های الهی، موجب تقویت پیوندهای اجتماعی و افزایش نشاط جمعی می‌شود. به عنوان مثال، شکرگزاری از همسر، نه تنها به تقویت رابطه زناشویی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک فضای صمیمی و پراز محبت در خانواده و استحکام بنیان خانواده نیز منجر می‌شود. همچنین، ابراز قدردانی از همکاران، موجب افزایش روحیه همکاری و همدلی در محیط کار شده و به بهبود عملکرد تیم کمک می‌کند. (السنی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۳)

براین اساس، شکرگزاری فارغ از هرگونه تأثیر عوامل فراطبیعی، صرفاً از طریق احساسات، ادراکات و عواطف انسانی می‌تواند به افزایش نعمت‌ها منجر شود. شکرگزاری به طور مستقیم، نعمت رضایت را برای فرد به ارمغان آورده و به طور غیر مستقیم، موجب بهره‌مندی از نعمت‌های فراوانی همچون کاهش استرس و افزایش اوقات فراغت برای تفریحات سالم می‌گردد.

۳.۲. تأثیر عوامل فراطبیعی

شکرگزاری نقشی کلیدی در افزایش نعمت‌ها ایفا می‌کند. بخشی از تأثیر شکرگزاری از طریق علل و عوامل طبیعی قابل تبیین است که پیش‌تر به آن پرداخته شد؛ اما اثرگذاری شکرگزاری بر افزایش نعمت‌ها صرفاً به عوامل طبیعی محدود نمی‌شود. با مطالعه متون دینی و فلسفی به نظر می‌رسد شکرگزاری به صورت فراطبیعی نیز موجب افزایش نعمت‌ها می‌شود. تبیین این اثر فراطبیعی مستلزم تحلیل عمیق عقلی و فلسفی با رویکرد هستی‌شناسی است. با بررسی دقیق مسأله، به نظر می‌رسد سه عامل فراطبیعی «تکامل نفس»، «صورت باطنی شکرگزاری» و «خواست و اراده الهی» در پی شکرگزاری، موجب ایجاد آثار بیان شده در متون دینی می‌شوند. در ادامه به بررسی تفصیلی این عوامل پرداخته می‌شود.

۳.۲.۱. تکامل نفس با شکرگزاری

همان‌طور که در مبانی انسان‌شناختی تشریح شده است، انسان موجودی مرکب از جسم و روح است. جسم انسان جزئی از عالم ماده و ملک است، در حالی که روح او به عالم ملکوت یا جبروت تعلق دارد. این امر موجب می‌شود تا روح انسان از تجرد مثالی برخوردار باشد و به واسطه سیر کمالی و حرکت صعودی، به سوی تجرد عقلی گرایش پیدا کند.

تکامل نفس انسانی به افعال و رفتارهای او وابسته است. انجام اعمال نیک، نفس را به سوی کمال و ارتقاء سوق می‌دهد. مقصود از کمال انسانی آن است که انسان‌ها هرچه بیشتر به خدای متعال نزدیک شوند: «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ»، (نجم / ۴۲)، (جوادی آملی، ۱۳۸۳ «ج»: ۳ / ۳۹۵) زیرا در عالم هستی تنها موجود کامل خدای سبحان است و جز او ذاتاً سهمی از کمال هستی ندارد و دیگر موجودات ناقص هستند. در صورتی که انسان بتواند نقایص و محدودیت‌های خود را مرتفع کرده و بیشتر به خدا نزدیک شود و مظهر اسمای حسناى خدا باشد،

موجودی کم‌نقص‌تر خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۱) در نگاه قرآن کریم، کمال انسان به عبادت و عبودیت او در ساحت قدس ربوبی است و اساساً هدفی جز آن از خلقت او نیست: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، (ذاریات / ۵۶) از نگاه علوم عقلی و فلسفی، کمال انسانی صعود نفس از مراتب مُلک و ملکوت به عالم جبروت است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۸۴ / ۱)

اگرچه افعال انسان‌ها در ظاهر مادی و جسمانی به نظر می‌رسند؛ اما بر اساس مبانی هستی‌شناختی، دارای بُعد معنوی و فراطبیعی نیز هستند. به همین دلیل، این افعال قادرند تأثیرات شگرفی بر عالم ملکوت بگذارند. یکی از اعمال پسندیده و نیکو که در متون دینی بر اهمیت آن تأکید فراوان شده است، شکرگزاری است. این عمل نیک، موجب تکامل نفس انسان می‌شود. چنان‌که خدای سبحان می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»، (ابراهیم / ۷) بر اساس این آیه شریفه، شکرگزاری منجر به افزایش خود انسان شاکر و تکامل و رشد انسان می‌گردد.

توضیح آن‌که، شکرگزاری عملی عبادی با هدف تقرب به خدای متعال است و بدون قصد قربت، تحقق نمی‌یابد. در آیه مورد نظر، قضیه شرطیه‌ای ذکر شده که شرط آن «لَئِنْ شَكَرْتُمْ» و جزای آن «لَأَزِيدَنَّكُمْ» و نه «لَأَزِيدَنَّكُمْ» می‌باشد، از این رو مقصود آیه آن است که شکرگزاری، موجب افزایش و زیادت وجودی فرد شاکر می‌شود. این معنا با آیه شریفه «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ»، (لقمان / ۱۲) نیز هم‌سو است؛ چراکه در این آیه، منفعت شکرگزاری به خود شخص شاکر باز می‌گردد و نشان می‌دهد که شکرگزاری موجب کمال و رشد نفس انسان می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۵ / ۱۶)

پس از تکامل نفس انسان از طریق شکرگزاری، این نفس به درجات والاتری از سلسله عوالم هستی دست یافته و موجودات بیشتری در مراتب پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند. برای نمونه، نفس انسان شاکر که در عالم ملکوت قرار دارد، در درجات بالاتر این عالم ایستاده و از موجودات بیشتری بالاتر قرار می‌گیرد. حتی ممکن است از عالم ملکوت به عالم جبروت ارتقاء یافته و از تمام موجودات ملکوتی و مادی برتر باشد. با توجه به این‌که در سلسله مراتب هستی، موجودات عالی‌تر بر موجودات پایین‌تر احاطه وجودی دارند و می‌توانند بر آن‌ها تأثیرگذارند، (طباطبایی، ۱۴۲۲ق: ۳۸۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۸۴) نفس شاکر نیز به واسطه تکامل خود، بر موجودات بیشتری احاطه یافته و قادر خواهد بود بر آن‌ها تأثیرگذار باشد. در نتیجه، این نفس می‌تواند نعمت‌ها را به سوی خود جذب کرده و از وقوع برخی بلاها جلوگیری نماید.

لازم به ذکر است که اگرچه تکامل نفس انسان و توانایی اثرگذاری بیشتر او بر عالم تکوین منجر به کسب نعمت‌های مادی فراوان می‌شود؛ اما خود این تکامل و افزایش وجودی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی محسوب می‌شود که خدای متعال وعده آن را داده است.

انسان، موجودی است ممکن و محتاج به خدای سبحان که تمام هستی و نعمت‌هایش از لطف و عنایت بی‌کران الهی نشأت می‌گیرد. پروردگار انسان را به صورت موجودی مرکب از روح و جسم آفریده است. بر همین اساس، نیازهای انسان نیز به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌شود. خدای حکیم، با عنایت به این دو بُعد وجودی انسان، نعمت‌های متنوعی را برای تأمین هر یک از آن‌ها در جهان هستی قرار داده است.

بر اساس متون دینی، شکرگزاری منجر به افزایش نعمت‌ها می‌گردد. هرچند در این متون به صراحت ذکر نشده است که این افزایش نعمت، مادی یا معنوی خواهد بود. همچنین مشخص نیست که آیا شکرگزاری از نعمت خاصی، به افزایش همان نعمت منجر می‌شود یا خیر. با این حال، با توجه به این‌که شکرگزاری، عبادت محسوب می‌شود و عبادت به رشد و تکامل روحانی انسان می‌انجامد، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش نعمت ناشی از شکرگزاری، عمدتاً از نوع معنوی و تکامل نفس است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۰ / ۲۸۱) آیه شریفه «لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»، (ابراهیم / ۷) نیز بر این مدعا دلالت دارد. آیت الله جوادی آملی در این خصوص نوشته است:

«معنای مزید نعمت آن است که خداوند به یاد افزایش نعمت‌های کسی است که به یاد نعمت‌های او باشد؛ ولی ذکر حق سبب می‌گردد که خداوند مذکور، به یاد خود عبد باشد و گوهر ذات او را به یاد آورد و درون هستی وی را کامل کند و توفیق شوق لقای خویش را به ذات او عطا نماید. در این حال گوهر هستی عبد ذاکر، می‌شود مذکور خدا که او خیر الذاکرین است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۳ «ب»: ۵ / ۲۲۷)

با توجه به رحمانیت خدای متعال و دلایل نقلی، افزایش نعمت‌ها صرفاً به رشد معنوی محدود نمی‌شود، بلکه نعمت‌های مادی انسان نیز قابل افزایش است. چنان‌چه آیه «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»، (بقره / ۲۶۱) اتفاق را که نمونه‌ای از شکر عملی است، سبب افزایش مال معرفی می‌نماید. همچنین روایات متعددی نظیر «شُكْرُ النِّعَمِ يُضَاعِفُهَا وَ يَزِيدُهَا»، (لثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۱) و «شُكْرُ النِّعَمِ يُوجِبُ مَزِيدَهَا وَ كَفَرُهَا بِرَهَانِ جُحُودِهَا»، (لثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۱) بر ارتباط مستقیم شکرگزاری و فزون‌یابی نعمت‌ها دلالت دارند.

نفس، بنا به این عامل فراطبیعی، قابلیت اعمال نفوذ در سطوح پایین‌تر از خود را داراست، در حالی که از تأثیرگذاری بر عوالم متعالی‌تر و کسب فیض از طریق آن‌ها محروم است. این گونه مواهب از طریق عوامل غیبی دیگر و با خواست و اراده الهی تأمین می‌گردند.

شایان ذکر است که اگرچه شکرگزاری می‌تواند به ارتقاء مراتب وجودی انسان کمک کند؛ ولی این ارتقاء در اکثر افراد به قدری نیست که توانایی‌های تصرفاتی مشابه اولیای الهی را به آنان ببخشد. معمولاً تصرفات افراد پس از شکرگزاری، به افزایش توانایی‌های فعلی آنان محدود می‌شود و در بسیاری از موارد، این تصرفات به‌طور آشکار قابل مشاهده نبوده و ممکن است حتی مشخص نباشد که برخی از وقایع به دلیل تصرفات نفس در عالم ماده به وقوع پیوسته‌اند. به این معنا که، تغییرات حاصل از شکرگزاری، لزوماً به شکل تغییرات فیزیکی و ملموس

در جهان خارج نمایان نمی‌شوند. چه بسا که تأثیرات آن، در سطحی عمیق‌تر و درونی‌تر، در ساختار روحی و معنوی فرد نمود یابند. همچنین، امکان دارد برخی از رویدادهای ظاهراً تصادفی، در حقیقت، معلول تصرفات پنهان نفس در عالم ماده باشند، که درک آن، نیازمند بصیرتی فراتر از دیدگاه‌های مادی است.

۳.۲.۲. صورت باطنی شکرگزاری

همان‌طور که در مبانی انسان‌شناختی بیان شده است، افعال انسانی دارای دو بعد ظاهری و باطنی است. (ابن عربی، بی‌تا: ۱/ ۳۹۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۷: ۲/ ۱۰۶۴) صور ملکوتی ناشی از افعال انسان، موجوداتی در عالم هستی هستند که تأثیرات متقابلی با سایر موجودات دارند. بدین معنا که همچنان که وقایع مادی و طبیعی دارای علل و معلول‌های مشخصی هستند، صور باطنی نیز می‌توانند به عنوان علل پدید آمدن رویدادهای گوناگون در عالم هستی محسوب شوند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲/ ۴۷۵-۴۸۲ و ۸/ ۳۴۰-۳۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰/ ۱۴۸)

این صور باطنی، معلول افعال انسانی بوده و با انجام هر فعلی تحقق می‌یابند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶/ ۳۷۶) با توجه به محدودیت عقل و تجربه در دستیابی به ماهیت این صور، تبیین دقیق ارتباط علی میان آن‌ها و افعال انسانی به وسیله این دو امکان‌پذیر نیست، (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م: ۱/ ۳۰۰؛ عبودیت، ۱۳۹۱: ۳/ ۸۳ و ۹۸-۹۹) لذا برای شناخت این ارتباط، ناگزیر به بهره‌گیری از روش‌های نقلی و شهودی هستیم. بررسی متون دینی نشان می‌دهد که افعال نیک از صور باطنی نورانی برخوردارند که به سبب همسانی و تناسب با آثار و پیامدهای خود، منجر به نتایج مطلوب می‌گردند. این صور باطنی، در واقع جلوه‌های معنوی و مجرد افعال انسانی هستند که در عالم معنا پدید می‌آیند.

شکرگزاری، فعلی عبادی است که صورت باطنی زیبایی در عالم ملکوت دارد. این صورت باطنی، به دلیل احاطه عالم ملکوت بر عالم ملک و ماده، می‌تواند در عالم ماده نیز مؤثر بوده و از این طریق موجب افزایش نعمت‌ها شود، بنابراین میان شکرگزاری انسان و افزایش نعمت‌ها، رابطه علی وجود دارد.

صورت‌های باطنی، نتایج و معلول‌های مستقیم افعال انسانی هستند. از آن‌جا که افعال انسانی دارای درجات و سطوح مختلفی است، به تبع آن صورت‌های باطنی نیز درجات و سطوح متفاوتی خواهند داشت. این بدان معناست که صورت‌های باطنی به صورت تشکیکی و درجات مختلفی ایجاد می‌شوند و این تفاوت درجات به کیفیت و کمیت فعل انسان وابسته است. به عنوان مثال، شکرگزاری زبانی صرف در مقایسه با شکرگزاری زبانی به همراه عمل، دارای درجه پایین‌تری است و در نتیجه، صورت باطنی، آثار و نتایج متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. بدین ترتیب، صورت‌های باطنی کامل‌تر، تأثیرات گسترده‌تری در افزایش نعمت‌ها دارند.

با عنایت به مطالب پیشین، تفاوت میان کیفیت تأثیر صورت باطنی و تأثیر ناشی از تکامل و تنزل نفس به وضوح مشخص می‌گردد. در حالت اول، میزان تأثیرگذاری به ارزش و اهمیت فعل انجام شده وابسته است و صرف نظر از مرتبه وجودی فاعل، هر فعل ارزشمند می‌تواند صورت باطنی مؤثری را پدید آورد. در مقابل، در مورد تکامل و تنزل نفس، درجه وجودی فاعل تعیین‌کننده است و تنها افعالی که از سوی فاعلی با مرتبه وجودی بالا انجام شوند، قادر به ایجاد تأثیرات گسترده در عالم هستند. (ر.ک: قدردان قراملکی، ۱۴۰۳: ۲۲-۲۳)

۳.۲.۳. خواست و اراده الهی

یکی از عوامل مؤثر و فراطبیعی در افزایش نعمت‌ها پس از شکرگزاری، خواست و اراده پروردگار است. بندگانی که با عمل به فرمان‌های الهی و پرهیز از معاصی، رضایت حق تعالی را جلب می‌نمایند، مورد عنایت خاص او قرار گرفته و به نعمت‌های فراوانی دست می‌یابند. (طلاق / ۲-۳) این امر بدین سبب است که این افراد در تمام شئون زندگی خویش خدای متعال را در نظر داشته و به او توکل می‌نمایند. خدای سبحان نیز به عنوان پاداش نیکوکاری و تقوای بندگان، عنایت ویژه خود را شامل حال آنان ساخته و بر نعمت‌هایشان می‌افزاید. (مائده / ۱۱۹؛ نساء / ۱۱۴)

اگرچه جایگاه اصلی پاداش اعمال نیک انسان در آخرت است؛ اما خدای متعال در بسیاری از موارد، بخشی از ثواب اعمال بندگان صالح را در همین دنیا به آنان عطا می‌فرماید: «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ»، (نحل / ۳۰) بدین ترتیب، بندگانی که رضایت الهی را کسب نموده‌اند، مشمول لطف و عنایت بی‌کران پروردگار می‌شوند. (نور / ۳۸)

شکرگزاری از جمله اعمال نیک است که موجب جلب رضایت پروردگار و مستحق شدن انسان به پاداش الهی می‌گردد. خدای سبحان نیز به عنوان پاداش، نعمت‌های خود را بر بندگان شاکر افزایش می‌دهد. بررسی متون دینی نشان می‌دهد که این فرایند به صورت یک چرخه عمل می‌کند.

ابتدا خدای متعال به فرد شاکر توجه و عنایت ویژه‌ای مبذول می‌دارد. این توجه الهی، انسان را به یاد پروردگار انداخته و موجب شکرگزاری او می‌گردد. در ادامه، خدا به عنوان پاداشی مجدد، نعمت‌های بیشتری را بر بنده شاکر خود ارزانی می‌دارد. به دیگر سخن، توجه و شکر بنده به خدا، مسبوق و ملحق به ذکر حضرت حق است، زیرا مطابق آیه شریف «وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»، (نحل / ۵۳) منشأ تمام نعمت‌ها خدای سبحان است. خود شکرگزاری یکی از نعمت‌های پروردگار است، ازاین‌رو خدای متعال این نعمت را پیش از شکرگزاری توسط شاکر، به وی افاضه می‌کند. این همان توجه و عنایت پیشینی خدا بر فرد شاکر است. پس از شکرگزاری و یاد خدا توسط فرد شاکر -که فعل اختیاری اوست- خدای سبحان مطابق وعده‌ای که داده مجدداً انسان را یاد می‌کند:

«فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُون»، (بقره / ۱۵۲) این همان توجه و عنایت پسینی خدا به فرد شاکر است.

اگرچه خدای متعال همواره بندگان خود را مورد توجه و عنایت پیشینی قرار می‌دهد؛ اما این امر به معنای جبر انسان بر شکرگزاری نیست. خدای دانا از هیچ‌کس غافل نیست. با این حال، بسیاری از انسان‌ها با اختیار خود، به این نعمت بزرگ توجه نکرده و شکرگزار نیستند. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ اِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ»، (صافات / ۱۳) این دسته از افراد با انتخاب خود، از عنایت پسینی خدا که مشروط به یاد اوست، محروم می‌مانند و در نتیجه، برکت و افزونی نعمت نصیب آنان نمی‌شود. نظیر رحمانیت و رحیمیت خدا که رحمانیت الهی عام و شامل تمام موجودات و از جمله انسان‌ها می‌شود؛ اما رحیمیت خدا صرفاً به افراد مومن و صالحی تعلق می‌گیرد که به خدای متعالی و دستورات او توجه دارند و دیگران خود را با اعمال و رفتارشان از رحیمیت الهی محروم ساخته‌اند. (خمینی، ۱۳۸۷: ۲ / ۶۴۸)

حاصل آن‌که، توجه الهی به انسان، شرط کافی برای توجه انسان به خدا نیست؛ لیکن افرادی که به خدای سبحان توجه می‌نمایند، مستحق پاداش الهی بوده و پروردگار با یادآوری ایشان و افزایش نعمت‌ها، بخشی از این پاداش را در دنیا به ایشان عطا می‌فرماید. (جوادی آملی، ۱۳۸۳ «ب» / ۵: ۲۳۱-۲۳۲)

در پایان باید گفت که خدای متعال علت اصلی و آغازگر تمامی موجودات هستی است. هیچ موجودی بدون اراده و مشیت الهی قادر به حرکت و تغییر نیست. در دو عامل پیشین نیز خدا به عنوان علت اصلی و هستی بخش، در افزایش نعمت‌ها در عالم نقش اساسی داشته و صورت‌های باطنی و نفس انسان واسطه‌های خدا هستند. ذکر این دو واسطه به خاطر نقش داشتن آن دو در افزایش نعمت‌ها بوده است. در این عامل نیز خدای متعال برای پاداش، از واسطه‌های مختلفی استفاده می‌کند؛ اما توجه اصلی معطوف به علیت و اراده خدا و نه واسطه‌ها می‌باشد. چنان‌چه در مبانی خداشناسی بیان شده است، اگرچه علل ماورایی و در رأس آن‌ها خدای سبحان بر عالم ماده اثرگذار هستند؛ اما این تأثیر به صورت مستقیم و بی‌واسطه نیست و از طریق واسطه‌های مختلف تحقق می‌یابد و به عبارت دیگر، علل مادی در طول علل معنوی و غیبی قرار دارند. با این حال نظام‌های علی و معلولی که در جهان وجود دارند و هر رویدادی که در جهان رخ می‌دهد، فعل خداست. همچنین هیچ موجودی به صورت مستقل قادر به انجام عمل و تأثیرگذاری نیست و تمام موجودات در انجام فعالیت‌های خود به فعل و اراده خدا وابسته‌اند. (مطهری، ۱۳۷۷: ۲ / ۱۰۳)

شایان ذکر است که این سه علت فراطبیعی، منافاتی با یکدیگر نداشته و حتی ممکن است شکرگزاری به عنوان عاملی محرک، به فعلیت یافتن هم‌زمان آن‌ها در عالم تکوین منجر شود. به عنوان مثال، شکرگزاری می‌تواند هم به تعالی و تکامل نفس و توانایی آن در ایجاد تأثیر در عالم تکوین بینجامد؛ هم به ایجاد صورت باطنی نیک

و تأثیرگذاری آن و هم به جلب رضایت پروردگار و در نتیجه، افزایش نعمت‌های الهی در زندگی فرد شاکر منجر شود.

در پایان، ذکر یک نکته بسیار مهم و ضروری است. بر اساس مباحث مطرح شده در این نوشتار، بین شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها ارتباطی علی و تکوینی وجود دارد؛ اما این تنها یک بُعد از افعال انسان‌هاست. انسان‌ها در کنار شکرگزاری، اعمال دیگری نیز انجام می‌دهند که هر یک دارای آثار و نتایج خاص خود هستند. ممکن است فردی که شکرگزار است، با شکرگزاری سبب افزایش نعمت‌ها شود؛ اما از سوی دیگر، با انجام افعال ناپسند مانند تبلی و بی‌کاری (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳/ ۱۱۹) و ارتکاب افعال زشتی چون زنا (حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق: ۱۴/ ۳۳۰) و حرام‌خواری (علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶ق: ۲۵۱) موجب کاهش روزی خود شود. همچنین، فردی ممکن است با انجام یک عمل، موجب رضایت پروردگار گردد و با انجام عمل دیگری، خدای متعال را خشمگین سازد.

مباحث مطرح‌شده در این نوشتار به‌طور تک‌بعدی و ناظر به مسأله شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها بررسی شده است که بین این دو ارتباط تکوینی برقرار است؛ اما در مقام عمل، کلیه افعال انسان مورد سنجش قرار می‌گیرد و به مسأله به‌طور تک‌بعدی پرداخته نمی‌شود. به عبارتی دیگر، حسابداری افعال انسان‌ها بسیار دقیق و پیچیده است و با توجه به عدم آگاهی بشر از نتایج و پیامدهای افعال، انسان‌ها به این اطلاعات دسترسی ندارند و قضاوت تنها مختص به خدای سبحان است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به مطالعه هستی‌شناسانه الگوی اسلامی شکرگزاری و ارتباط آن با افزایش نعمت‌ها پرداخته شده است. با توجه به عدم مشاهده ظاهری ارتباط مستقیم میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها، در کنار تاکید متون دینی بر این ارتباط، ضرورت تحلیل و تبیین این مسأله احساس می‌شود.

هدف از این پژوهش، روشن ساختن این نکته است که افزایش نعمت‌ها، نتیجه حقیقی و تکوینی شکرگزاری است و منابع دینی، با توجه به این ارتباط تکوینی مردم را به شکرگزاری دعوت می‌کنند، از این‌رو تبیین این ارتباط تکوینی، گامی مؤثر در جهت ارتقای کارآمدی شکرگزاری به شمار می‌آید.

مطابق یافته‌های پژوهش حاضر، شکرگزاری به عنوان یک رفتار نیک، ارتباط تکوینی با افزایش نعمت‌ها دارد. این ارتباط از دو منظر طبیعی و فراطبیعی قابل تفسیر است.

شکرگزاری با ارتقای رضایت‌مندی از زندگی و کیفیت کلی آن، اثرات مثبتی بر سلامت روان افراد دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شکرگزاری با افزایش احساس شادی، عزت نفس و خودباوری و کاهش علائم افسردگی، به بهبود کیفیت زندگی افراد کمک شایانی می‌نماید و موجب دستیابی آنان به نعمت‌های یاد شده می‌شود.

شکرگزاری به صورت فراطبیعی نیز موجب افزایش نعمت‌ها می‌شود. با شکرگزاری، نفس انسان تکامل یافته و نعمت ظرف وجودی انسان افزایش می‌یابد. همچنین با توسعه نفس توانایی تصرف تکوینی در عالم ماده در نفس افزایش می‌یابد که موجب جلب نعمت‌های مادی دیگر می‌شود. صورت باطنی شکرگزاری نیز به عنوان علت غیبی افزایش نعمت‌ها مورد تأکید است. همچنین، پاداش دنیوی شکرگزاری، به صورت افزایش نعمت‌ها، از سوی خدای سبحان به بندگان شاکر عطا می‌شود.

با مطالب بیان شده روشن می‌شود که پاسخ سوال اصلی این تحقیق که عبارت است از «چه ارتباطی میان الگوی اسلامی شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها وجود دارد؟» این است که میان شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها ارتباطی تکوینی و علّی است که پس از شکرگزاری، تحقق افزایش نعمت‌ها از طریق تأثیر عوامل طبیعی و فراطبیعی نه تنها غیر منطقی و مخالف عقل نیست، بلکه حتمی و ضروری است و اهل بیت (ع) با استناد به علوم الهی و برای راهنمایی مردم به این ارتباطات فراطبیعی در قالب متون دینی اشاره کرده‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی‌الجمهور، محمد بن علی أحسانی، ۱۴۰۳ق، *عوالی اللّٰهالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهداء.
۲. ابن سینا، حسین بن عبد الله، ۱۳۸۱، *الاشارات و التنبيهات*، تصحیح مجتبی زارعی، قم، بوستان کتاب.
۳. ابن سینا، حسین بن عبد الله، ۱۳۷۶، *الشفاء*، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۵. ابن عربی، محی الدین، بی‌تا، *الفتوحات المکیه*، بیروت، دار صادر.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تحقیق احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۷. اشعری، ابوالحسن، ۱۴۰۰ق، *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، آلمان، فرانس شتاینر.
۸. تیممی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح سید مهدی رجائی، قم، دار الکتاب الإسلامی.
۹. جاویدپور، فاطمه. کهنساری، رضا. صابریان، علیرضا. ۱۴۰۲، «نشانیگان شاکرین در متون اسلامی و آثار روانشناختی آن»، پژوهش در دین و سلامت، تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
۱۰. جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعه*، امام ششم، بیروت، اعلمی.
۱۱. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۷۸، *تسنیم*، تحقیق و تنظیم علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۳ «ب»، *سرچشمه اندیشه*، تحقیق و تنظیم عباس رحیمیان محقق، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۳ «ج»، *ادب فنای مقربان*، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۳، *حماسه و عرفان*، تحقیق و تنظیم محمد صفایی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۷، *تحریر تمهید التواعد*، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۸، *بنیان مرصوص امام خمینی (ره)*، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۹، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، تنظیم محمد محرابی، قم، مرکز نشر اسراء.

۱۸. حسین بن محمد تقی (محدث نوری)، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسة آل البيت (ع).
۱۹. حلوانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۸ق، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، قم، مدرسة الإمام المهدي (ع).
۲۰. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح آیت الله حسن زاده آملی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۱. خمینی، روح الله، ۱۳۸۷، *توحید از دیدگاه امام خمینی (ره)*، گردآوری فروغ السادات رحیم پور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، دمشق، دار القلم - دار الشامیة.
۲۳. سید مرتضی، علی بن حسین، ۱۴۱۱ق، *الذخيرة فی علم الکلام*، به تحقیق سید احمد حسینی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۴. شجاعی، محمد صادق، ۱۳۸۳، *توکل به خدا: راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان*، قم، مؤسسه امام خمینی (ره).
۲۵. شیخ صدوق، ابن بابویه (محمد بن علی)، ۱۳۷۶، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
۲۶. شیخ صدوق، ابن بابویه (محمد بن علی)، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، با تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی، ۱۹۸۱م، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت، دار احیاء التراث.
۲۸. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۲۹. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۲۲ق، *نهایة الحکمة*، قم، نشر اسلامی.
۳۰. طوسی، محمد بن محمد (خواجه نصیر الدین)، ۱۳۷۵، *شرح الإشارات و التنبیها*، قم، نشر البلاغة.
۳۱. عبّادی، منصورین اردشیر، ۱۳۶۸، *التصفيه فی احوال المتصوفه (صوفی نامه)*، تهران، چاپ غلامحسین یوسفی.
۳۲. عبدالرزاق کاشانی، عبدالرزاق بن جلال الدین، ۱۳۸۰، *لطائف الأعلام فی اشارات اهل الإلهام*، تهران، مؤسسه نشر میراث مکتوب.
۳۳. عبدالرزاق کاشانی، عبدالرزاق بن جلال الدین، ۱۳۸۵، *شرح منازل السائرین*، تصحیح محسن بیدارفر، قم، بیدار.
۳۴. عبودیت، عبدالرسول، ۱۳۹۱، *درآمدی بر نظام حکمت صدرائی*، تهران، انتشارات سمت.
۳۵. علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۴۰۶ق، *فقه الرضا (ع)*، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
۳۶. غزالی، محمد، ۱۴۱۲ق، *احیاء علوم الدین*، بیروت، چاپ شیخ العیدروس.
۳۷. فیض کاشانی، محسن ۱۳۷۷، *علم الیقین*، قم، انتشارات بیدار.
۳۸. قدردان قراملکی، علی، ۱۳۹۷، «ادله عقلی تجرد نفس از دیدگاه آیت الله جوادی آملی»، *دو فصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسراء*، سال دهم، شماره ۲، پیاپی ۳۲، ص ۵-۳۷، قم، پژوهشگاه معارج.
۳۹. قدردان قراملکی، علی، ۱۳۹۸، «بازخوانی ادله نقلی تجرد نفس از دیدگاه آیت الله جوادی آملی»، *دو فصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسراء*، سال یازدهم، شماره ۲، پیاپی ۳۴، ص ۶۹-۹۹، قم، پژوهشگاه معارج.
۴۰. قدردان قراملکی، علی، ۱۴۰۳، «راهکار کارآمدسازی توصیلات فاقد قصد قربت از رهگذر ترتب ثواب»، *فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی*، دوره ۴، شماره ۲، پیاپی ۱۲، ص ۱۷-۳۵، تبریز، دانشگاه تبریز.
۴۱. کاشانی، محمود بن علی (عزالدین)، ۱۳۸۱، *مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة*، تهران، چاپ عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۳. لشنی، زینب. شعیری، محمدرضا. اصغری مقدم، محمد علی. گلزاری، محمود. ۱۳۹۱، «تأثیر راهبردهای شاکرانه بر عاطفه مثبت، شادکامی و خوش بینی»، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۴۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث.
۴۵. مجلسی، محمد تقی، ۱۴۱۴ق، *لوامع صاحبقرانی (مشهور به شرح فقیه)*، قم، اسماعیلیان.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۴۷. محاسبی، الحارث ابن اسد، ۱۴۲۵ق، بدء من اناب الى الله، قاهره، نشر مجدى فتحى السيد.
۴۸. مطهرى، مرتضى، ۱۳۷۷، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
۴۹. مكارم شيرازى، ناصر، ۱۳۵۳، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه.

